

یاییز ۹۳

سرشناسه	: شکرانه، اسدالله، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: نشک خوروسی و قصه‌های دیگر: بازآفرینی قصه‌هایی از مهدی آذریندی به گویش یزدی / اسدالله شکرانه.
مشخصات نشر	: اردکان: آرتاکاوا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۷-۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: بازآفرینی قصه‌هایی به گویش یزدی.
موضوع	: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی -- یزد
موضوع	: یزدی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ش ۸۸۳۵/۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۳۹۸/۲۰۹۵۵۹۲۲۲
شماره کتابخانه ملی	: ۳۶۰۱۳۱۲



نشک خوروسی و قصه‌های دیگر

بازآفرینی قصه‌هایی از مهدی آذریندی به گویش یزدی

- ❖ بازآفرینی: اسدالله شکرانه
- ❖ ناشر: انتشارات آرتاکاوا
- ❖ تصویرسازی و طراحی جلد: محمدحسن زاده اول
- ❖ آماژسازی و صفحه‌آرایی: مؤسسه آفرین
- ❖ نوبت چاپ: اول پاییز ۱۳۹۳
- ❖ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۷-۳۰-۹
- ❖ لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قم/زیتون
- ❖ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- ❖ قیمت: ۷۵۰۰ تومان

این اثر با حمایت مادی و معنوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و با همکاری

مؤسسه فرهنگی - هنری فرهنگسرای مهدی آذریندی منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

پیش گفتار	۹
فصل یک: گفتار	۲۳
یزد و گویش یزدی	۲۵
چراغی روایت قصه‌ها به گویش یزدی	۳۰
چراغی بازآفرینی قصه‌ها به گویش یزدی	۳۶
فصل دوم: قصه‌ها	۵۱
شاس بر گرفته از قصه حکم ناحق	۵۳
سیخ و تنه بر گرفته از قصه خر نعلبند و گرگ دردمند	۶۲
گف خش بر گرفته از قصه جنس کمیاب و گران - پنج افسانه	۷۶
ننه اسفندی بر گرفته از قصه اسفنددوکن	۸۶
مرافه بر گرفته از قصه خر سوادکار	۹۵
شو نیشینی بر گرفته از قصه خر برفت	۱۱۳
تاجر جوشی بر گرفته از قصه پند پینه دوز	۱۲۳
سیخ کبریتی بر گرفته از قصه سیخ کبریت	۱۳۷
ملا سرآبی بر گرفته از قصه مریض خیالی	۱۴۸
نَشک خوروسی بر گرفته از قصه زبان خروس - ده حکایت	۱۵۹

پیش گفتار

زبان در گستره ارتباطات انسانی، ابزاری برای انتقال معنای ذهنی و عواطف درونی است. براساس دیدگاه شاعر تصویرپرداز و خوش نگار لحظه‌های انسانی، نظامی گنجوی: «خط هر اندیشه که پیوسته‌اند / بر پر مرغان سخن بسته‌اند» آدمی تلاش می‌کند معنای دریافت‌های مفهومی و احساسی خود از جهان را به دیگران منتقل کند با شنیدن گفتار، تماشای حرکات و مشاهده حالت‌های صورت، اشارات چشم و دست و سر، معرفت‌ها و احساسات دیگران را بفهمد و با ارتباطی متقابل، باورها و تجربیات خود را افزایش دهد. درک اندیشه‌ها، پرسش‌ها، پاسخ‌ها و نگرش‌های دیگران از جهان پیرامون، بیشتر از طریق زبان به صورت‌های نوشتاری و گفتاری انجام می‌شود. گرچه خرد باوران در جهان معاصر بر این نکته نیز پای می‌فشارند که انسان با خلاقیت‌ها و نوآوری‌های اکتونی و پیوسته در حوزه‌های ادب و فرهنگ، تکنولوژی و صنعت، علاوه بر زبان‌های گفتاری و نوشتاری،



زبان‌های نو را تجربه می‌کند و بر اساس ارتباط‌های بیشتر با واقعیت‌های بیرونی و دنیا‌های درونی و خیالی، بازآفرینی‌ها، بازتولید‌هایی معنایی - زبانی در حوزه‌های خوشنویسی، نقاشی، معماری، فضا‌سازی‌های ترکیب‌وار از نور و رنگ و ابزارهای نورپردازی، پیکره‌ها و تندیس‌ها و دیگر آثار حجمی و ادبیات نمایشی و آثار سینمایی دارد و با چنین رویکردهایی، پهنه زیست عاطفی و دریافت‌های خردمندانه از هستی را متنوع‌تر و گسترده‌تر تجربه می‌کند که هر کدام زبانی از بی‌شمار زبان‌های انسانی هستند. زبان‌هایی فردی، گروهی، قراردادی و...

چنین دریافتی از گستردگی زبان، بی‌تردید، نشان از گستردگی اندیشه و فراخی نگاه انسان به هستی دارد در این گستره به تعبیری هر آنچه موجود شده است و هر آنچه در طبیعت وجود دارد و یا از طریق تولید انسانی به وجود می‌آید نشانه‌هایی از گفتمان متقابل هستی به مفهوم جهان بیرون از انسان و باز نمود جهان درون انسان می‌باشد. دیدگاه‌ها و نظریات پسند یا ناپسندی در این گونه هستی‌نگری، جریان دارد اما آن چه همگان پسندیده‌اند و آن را مشترک بین جوامع انسانی می‌دانند صورت‌های زبانی به دو گونه گفتاری و نوشتاری است.

زبان نوشتاری، زبانی متکی بر خط، تابع قواعد دستوری است. کژتابی‌های این زبان اندک است بیشتر در تولید متون

ادبی، علمی، پژوهشی و تحقیقی به کار می‌رود و در مستند کردن، نقد، بررسی و تحلیل، گسترش اندیشه و ساماندهی آن مؤثر است.

زبان گفتاری، ساختاری ترکیب‌وار از گویایی و باز نموده‌ها و اشارات و دیگر حرکات بدنی است. دریافت‌های ذهنی و عاطفی با آواهای صوتی از دهان انسان خارج می‌گردد و مفاهیم و معانی و احساسات متقابل و مشترک رد و بدل می‌گردد. زبان گفتاری با نادیده گرفتن بخشی از قواعد دستور زبان رسمی، جابه‌جایی اجزاء جمله و اصول و قواعد دستوری، ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقلیمی خاصی دارد. نخستین ابزار ارتباط بین انسان‌هایی است که زبان گویایی مشترک ندارند اما زبان اشارات را درک می‌کنند. همچنین ترکیب این زبان با بهره گرفتن از زبان بدن و پاره‌ای ویژگی‌های آوایی، ساده‌ترین و در عین حال رمز آلودترین راه انتقال پیام و ارتباط با مخاطب را میسر می‌سازد.

زبان گفتاری با امکان ترکیب پذیری از زبان‌های دیگر و استفاده از زبان بدن مانند حالات و حرکات دست، صورت و چشم، اشارات مورد توافق همگانی به همراه مهارت‌های خاص و ذاتی بیانی، تنوع گویشی و ساختار دستوری خاص، علاوه بر این که در ارتباطات روزمره به کار می‌رود از عناصر و ارکان

پاره‌ای از هنرها مانند نمایش، سینما، سخنوری و قصه‌گویی می‌باشد.

گونه‌ای از زبان گفتاری، زبان مردمی است که در جغرافیای خاصی از زمین زندگی می‌کنند و تحت تأثیر شرایط اقلیمی، آب و هوا، گونه‌های طبیعت مانند کوه و دریا و درخت و گیاه و پرنده، آب و باد و خاک و خورشید، زبان گفتاری ویژه‌ای را برای ارتباط برمی‌گزینند.

اقلیمهای جغرافیایی، در نگاه نخست به صورت مرزهای جغرافیایی کشورها تقسیم‌بندی شده‌اند. چنین تقسیم‌بندی‌هایی بیشتر براساس نگرش‌های سیاسی و استراتژی‌های جهانی انجام شده است تا محدوده‌های مرزی متعلق به کشوری خاص باشد اما مردمان ساکن در اقلیمهای جغرافیایی مجزا از هم به دلیل پیوستگی‌های قومی، مهاجرت، شرایط تاریخی، ضرورتا همسان و همزبان نیستند.

در یک اقلیم جغرافیایی، تنوع زیستی - قومی متعددی جریان دارد. مردمانی در کنار هم، با عنوان کشوری خاص، زندگی می‌کنند که از اقوام و نژادهای مختلف هستند آن‌ها به دلایل تاریخی از دیگر هم نژادان و یا اقوام خود فاصله گرفته‌اند خطوط مرزی - سیاسی آنها را از هم جدا کرده است اگرچه این مردمان در دوسوی مرز سیاسی، سکونت



دارند، اما هویت، زبان و آداب و رسوم مشترکی دارند.

هم چنین بنا بر ملاحظات سیاسی و استراتژی‌های جهانی، مناسبات اقتصادی و مهاجرت‌های معیشتی و جستجوی کار در گستره درونی یک اقلیم جغرافیایی، پراکندگی قومی و نژادی اتفاق می‌افتد. چنین امری باعث می‌شود زبان‌های گفتاری متفاوت در یک کشور رواج داشته باشد اگر چه یک زبان به عنوان زبان رسمی تعیین شده است و در قانون اساسی کشور به عنوان زبان رسمی در ساز و کارهای اداری جریان دارد.

در جهان معاصر با محدوده‌های اقلیمی خاص، زبان‌های دیگری نیز همراه با زبان رسمی در ارتباطات به کار گرفته می‌شود به گونه‌ای که در هزار و سوم زبان‌های گفتاری مختلف در کشورهای جهان به منظور ارتباط بیشتر انسانی کاربردهای متعدد و متفاوت دارد. چنین گستره‌ای نشان از آن دارد که زبان گفتاری چندان در گیر تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی نشده است و حداقل در مورد حرکات و اشارات و به طور کلی زبان بیان و جوه مشترکی در گستره اقلیم‌های جغرافیایی به کار می‌رود.

گویش‌ها و لهجه‌ها، گونه‌ای زبان گفتاری هستند. به دلیل بهره‌گیری از عناصر اقلیمی و جغرافیایی، شکل بیانی، واژگانی و دستوری خاصی دارند که باعث تمایز آنها از یکدیگر می‌گردد. علی‌رغم شرایط متعدد نظیر هجوم‌های تاریخی، مهاجرت

اقوام به محدوده اقلیمی یک گویش و تسلط حکومتی بر آن، رسمی شدن زبان و یکسان سازی ساز و کارهای مکاتباتی و ارتباط اداری، تسلط زبان قدرتمند رسانه‌های نوشتاری، دیداری و بالاخره ایده جهانی‌سازی، گویش‌ها و لهجه‌ها ماندگاری تاریخی دارند و از دیر باز با فروگاهی‌ها و تغییرهایی پابرجا مانده‌اند و در بخش‌هایی از یک اقلیم جغرافیایی زبان ارتباطی مسلط هستند.

جهان یک صدا، یک زبان، نه سابقه‌ای تاریخی دارد و نه از نظر تاریخی تحقق‌یافتنی است. برج و باروی چنین اندیشه‌ای برافراشته سندی نیست، اگر چه در نقطه مقابل آن برج بابل زبانی نیز نابود شد. جهان انسان، جهان رنگ‌های انسانی است هررنگ و نژادی، زبان گفتاری برخاسته از دیرینه‌های فرهنگی و هویت تاریخی خود را دارد. حتی اگر در شرایط تاریخی در جوامع دیگر تحلیل رود باز به دیرینه‌ای متصل است که روزی به آن باز خواهد گشت و با شناخت محدود عواملی که باعث فراموشی تاریخی او شده است بر آن عوامل غلبه خواهد کرد اگر چه در روزگار معاصر، ساز و کارهای جهانی، بیشتر برمدار یکسان سازی قرار دارد و هرروز مرگ یکی از خرده فرهنگ‌ها و گویش‌ها اتفاق می‌افتد.

مرگ زبان‌ها و خرده گویش‌ها، حقیقتی تاریخی است.



زبان‌هایی بوده‌اند که مرده‌اند زیرا گویشوران آن به دلایل بسیار، اندک اندک تن به زبانی دیگر داده‌اند. چنین مصیبت تاریخی که به تدریج ادب و فرهنگ اقوام را نابود می‌کند نهادها و سازمان‌هایی را به تکاپو انداخته است که دست به کار شوند و در مقابل مرگ تدریجی و بعضاً ناگزیر زبانها ایستادگی کنند و با ابزارهای خاص و شیوه‌های ترویجی در زبان آموزی اقوام و ملیت‌ها، اسطوره‌ها و ادبیات آنها را در مقابل این مصیبت فرهنگی حفظ کنند. فرهیختگان و خردمندان اقوام نیز بر این نکته پای فشرده‌اند که هم‌زبانی جهانی، نباید باعث از میان رفتن هویت اقوام گردد. آنها با درک موقعیت جهان مشترک انسانی و تقریب اندیشه‌ها، معناها و همگرایی‌های معرفتی، بر این نکته تأکید دارند که هویت‌های متعدد، زمینه گسترش هستی‌نگارانه‌های متفاوت است. در چنین زمینه‌ای است که ادبیات، هنر، دریافت‌های عاطفی و معرفتی متفاوت و متعدد می‌بالد. تأثیر می‌گذارد و آرامش عاطفی ایجاد می‌کند. هر گونه ناسامانی در این زمینه، شورش‌های درونی و نابهنجاری‌های رفتاری به دنبال خواهد داشت و شرایط همزیستی جهانی را مختل خواهد کرد.

از عمده‌ترین عوامل هجوم به گویش‌ها، تفاخر طبقاتی، همسان شدن زبانی گویشوران یک گویش با زبان و گویش



مسلط طبقات اقتصادی و تمایل به پایتخت گرایی است. زبان گفتاری طبقاتی از معامله‌گران پایتخت نشین باعث می‌شود اکثر اقوام به منظور انجام معاملات اقتصادی و ارتباط زبانی با مبادی ورود و خروج کالا و سرمایه، گویش خود را رها کنند و به گویش پایتختی البته با ته مانده‌ای از لهجه خود گرایش پیدا کنند. تمرکز ادارات و سازمان‌ها و نهادهای دولتی در پایتخت و ضرورت ارتباط دیگر مناطق جغرافیایی با این ادارات، عامل هوگرایی است که باعث فراموشی گویش‌ها و هویت‌های قومی می‌گردد. گرچه در حال حاضر دو عامل تفاخر طبقاتی و ارتباطات اقتصادی، به دلیل مقطعی بودن تأثیر ماندگاری ندارد و می‌توان آن را کنترل کرد.

عامل عمده‌تر و موثرتر در تهدید گویش‌ها، رشد غیرقابل کنترل شهرنشینی و جذابیت زندگی شهری و عوامل فرهنگ شهری، امکانات اقتصادی - بهداشتی کلان‌شهرها و تبعات مهاجرت پذیری آنها نظیر آلودگی، امنیت، رفاه و آسایش در عرصه‌های بهداشت و درمان و دیگر دسترسی‌های کلان شهری است که منجر به «همسان گفتاری شدن» می‌گردد.

اما هجوم اصلی، خطر بزرگ و تهدید واقعی گویش‌ها، سبک زندگی است. در جهان معاصر تلاش شبکه‌های ارتباطی براساس سیاست فرهنگ و مصرف متمرکز شده است. جامعه

هدف برای سیاست‌گزاران شبیه‌سازی فرهنگ و مصرف، خانواده است. به میزانی که خانواده، فرهنگ مصرف مشابهی با دیگران داشته باشد این سیاست گسترده‌تر می‌شود و به تدریج جوامع انسانی گسترده‌تری رفتار مصرفی و به دنبال آن فرهنگ رفتاری مشترکی خواهند داشت که دیگر بخش‌های وجودی آنان را تغییر خواهد داد. با پذیرش همسان‌شدگی اجتماعی فرهنگی، استفاده از گویش و لهجه‌های تاریخی نیز از رونق خواهد افتاد زیرا خانواده همان‌گونه که شیوه و سبک زندگی، معیشت و اقتصاد و فرهنگ خود را همسان دیگر خانواده‌ها می‌کند و یا در تلاشی ظاهری می‌کوشد شباهت‌هایی با آنان داشته باشد به تدریج از فرهنگ تاریخی خود فاصله می‌گیرد با اندک دستاوردهایی، بیشتر در جهت همسانی حرکت می‌کند و به ساز و کارها، نهادها و تشکیلاتی که او را به این هماهنگی مصرفی تشویق می‌کنند تمایل نشان می‌دهد. ابتدا رفتارهای بیرونی را هماهنگ می‌کند و اندک اندک رفتارهای درونی و گفتاری را با جهان بیرون تطبیق می‌دهد. چنین نگرش خطرناک و تعمّد در همسان‌سازی گفتاری، بسیار اتفاق می‌افتد و در جریانی پرشتاب پیش می‌رود و به قول زبان‌شناسان از آن‌گزیر و گریزی نیست اما آسیب‌پذیری بسیاری به همراه دارد که مهم‌ترین آسیب آن ناهمخوانی ذهن و زبان است.

ناهمخوانی‌های ذهنی و زبانی، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات روحی، روانی، شکست‌های عاطفی و ناکامی‌های اجتماعی است زیرا در بن مایه هر گفتار چنان که از دل برآید نوعی امنیت روانی نهفته است این امنیت روانی زمانی تداوم خواهد داشت که انسان بن‌مایه‌های زبانی و قومیتی خود را حفظ کند و بر آن پای بیفشارد تا ریشه هایش در مقابل باد و باران گزند نیابد چنان که بزرگ‌مرد خرداندیش و خردگستر فرهنگ ایران سالیانی بسیار دورتر از این زمان گفته است :

«بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی
اگر در آن روزگار برزخی که هویت ملی ایرانی با
هجوم‌های متعدد در معرض نابودی قرار گرفته بود با
خردورزی ایرانیان بستر آن هجوم خشک گردید و از بستر
خرد تاریخی ایران، اندیشه‌های ماندگاری زبان و گویش‌های
ایرانی ماندگاری گرفت در روزگار مایه‌چین امری ضروری و
شدنی است.

جهانی‌سازی، اسطوره‌ای مهاجم و امروزی است. اسطوره‌ای
که خصلت بلعیدن دارد. خردورزان، استفاده از امکانات جهانی
برای زندگی بهتر را نفی نمی‌کنند. فرهیختگان و خردمندان،
شبیه سازی جهانی و قرار گرفتن انسان بر مدار مشترک



فرهنگ مصرف و شبیه سازی فرهنگی را که به مرگ هویت‌های تاریخی، احساس‌های فردی و فرومردگی در یکسان اندیشی می‌انجامد، بر نمی‌تابند. با تکیه بر ابزارهای خردمندانه بر این ایستاده‌اند که انسان با هویت فرهنگی و دیرینه‌های قومی خود و تکیه بر عناصر و مواد اقلیمی خود، آرامشی جهانی خواهد یافت. فرزندگان، بر بنیاد چنین آرامشی است که انتخاب‌های فرهنگی و ابزارهای فرهنگ ساز هنری و ادبی، بافت و فضای معماری و مصرف مبتنی بر داشته‌های اقلیمی را توصیه می‌کنند و برای انتقال این بن‌مایه‌ها، استواری قومی، آرامش درونی، حفظ زبان و گویش را مقدم بر هر چیز دانسته‌اند و از این میان، دیرینه‌ترین ابزارهای ارتباطی، قصه را برگزیده‌اند زیرا به نیکی دریافته‌اند که بن‌مایه هر اندیشه‌ای قصه‌ای دارد.

قصه، دیرینه‌ترین هنر انسانی است که با نخستین روبرویی‌های انسان با هستی در نقاشی‌های متعدد بر دیواره غارها و سنگ‌ها و لوح‌های گلین و بعدتر به صورت خطوط تصویری نمود پیدا کرده است. قصه پس از کشف زبان شکوه و عظمت و مانایی خود را در زبان گفتاری بازنمایی کرده است. در پروسه‌ای فرهنگی اجتماعی، جماعتی از قصه‌گویان شکل گرفته‌اند که گویا تقدیر تاریخی حفظ بنیادهای فرهنگی و

آیین‌ها و آداب زیستن مشترک به آنها محول شده است تا شفاهی‌گویان تاریخ حیات باشند.

قصه‌گویان با استفاده از زبان گفتاری و بهره‌وری از پاره‌ای حالات نمایشی و توانایی‌های فردی با دستمایه قرار دادن قصه‌ها زیباترین جلوه‌های زبانی و پرمایه‌ترین اندیشه‌های انسانی را به یادگار گذاشته‌اند آنها با قصه‌گویی توانسته‌اند زینبای اندیشه در کودکان و نوجوانان را استوار کنند، بارقه‌های ذهنی انسان در حیات تاریخی از دیروزهای آغازین زندگی انسان تا فوادهای نیامده را تداوم بخشند دستاورهای فرهنگی، آداب و رسوم، آیین‌ها و جشن‌ها، سوگواری‌ها و ناملایمات، موفقیت‌ها و شکست‌ها را ثبت و نگهداری کنند در حساس‌ترین لحظه‌های انسانی پاسخ‌گوی نیازهای روحی، روانی و هیجانات انسانی باشند و به گونه تاریخی گوشه‌ای از وقایع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی دوره‌های زندگی انسان را باز نمایند.

در این کتاب، با توجه به ارزش گویش‌ها در حفظ بن مایه‌های رفتاری و آرامش خانوادگی، گفتارهایی درباره گویش یزدی، چرایی بازآفرینی قصه‌ها به گویش یزدی و نیز چرایی روایت قصه‌ها به گویش یزدی آمده است. قصه و قصه‌گویی دستمایه‌ای برای توجه به گویش یزدی شده است تا از طریق



قصه‌خوانی به گویش یزدی و از طریق نوشتاری کردن آن گامی در سوی نگهداری و گسترش این گویش و توجه گویشوران یزدی به زمینه‌هایی از زندگی در گذشته‌ها برداشته شود و به تدریج با تدوین دفترهایی از قصه‌های دیگر افق‌های زندگی امروزی نیز در قصه‌ها نمایان گردد.

قصه‌ها به گفتار یزدی عامیانه، نوشتاری شده است تا چنین خوانشی رواج گیرد و ذهن خوانشی با زبان گفتاری عامیانه منطبق گردد زیرا مردمانی که عامی خوانده شده‌اند ذهن و زبانی دارند که در طول زندگی آموخته‌اند. آنها به تجربه‌های ذهنی و زبانی یاد گرفته‌اند، ساده‌ترین ارتباط با جهان هستی، نشانه‌هایی است که با آن مطابقت دارد. در این نشانه‌گذاری، همه چیز نشانه ساده‌ای برای دریافت پیام زمین و آسمان است. آواها و صداها نیز بخشی از حقیقت ساده هستی هستند. می‌توان با صداها و آواهای ساده، پیام آون آرامش در تمام سطوح زندگی از جمله زبان گفتاری بود. تحقق چنین آرزوی دیرینه‌ای، بی‌تردید دلنشین است. در جهانی که دلنشین باشد تمام واژه‌های انسانی راه به سمت آرامش خواهد برد.

اسدالله شکرانه

یزد- اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ هجری شمسی